

جدایی نادر از روشنفکران

عمار تنها سالن شهر را پر کرد
وقفی برای «وحدت» و سر بلندی
سکوت مسئولان در برابر «۳۳ سال سکوت»
پیروزی خلوص «شاطری» بر پول های سعودی

ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار

■ نشریه روزانه ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار ■
■ شماره ششم - چهاردهم دی ماه ۱۳۹۴ ■
■ 6th ammar popular film festival ■





سفیر سابق ایران در ونزوئلا

اعتقادی به ایجاد حرکت های دولتی در مسیر ارتباط فرهنگی ندارم

بستر ساز صادرات فرهنگی و هنری ایران به آن سوی مرزها را فراهم کند. وی با بیان این که امروزه از طریق سیستم های مجازی می شود ارتباط های بسیاری در زمینه های مختلف ایجاد کرد، اظهار داشت: حرکت های مردمی از جمله ایجاد انجمن های دوستی که تاکنون صورت گرفته و موفق نیز عمل کرده و آثاری در زمینه چاپ کتاب از خود به جای گذاشته می تواند نمونه های موفق راه های ارتباط باشد. سبحانی با اشاره به زمینه ساخت آثار مشترک بین ایران و کشورهای آمریکای لاتین به ویژه ونزوئلا تصریح کرد: مردم آن دیار بسیار آمادگی شنیدن حقایق را دارند اما به دلیل تصور غلطی که از آن ها در ذهن ها هست کسی به سوی آن ها و تبادل فرهنگی نمی رود.

وی با بیان این که تناسبات فرهنگی بسیاری میان فرهنگ ایرانی و آمریکای لاتین وجود دارد، گفت: دوران دست روی دست گذاشتن تمام شده و باید دید به عنوان یک ایرانی و یک مسلمان چه افتخاری برای کشورمان و دینمان به دست آورده ایم. سبحانی با انتقاد از عملکرد صدا و سیما در پوشش تظاهرات و آشوب ها در دیگر کشورها تصریح کرد: صدا و سیما باید قدری هم به دنبال نمایش ظرفیت های نهفته در کشورهای مختلف باشد.

سفیر سابق کشورمان در ونزوئلا، با اشاره به نقش اثر گذار آثار تصویری و مستند در تبادلات فرهنگی و بستر سازی تعاملات اقتصادی، خاطر نشان کرد: به نظر بنده ارتباط سیاسی باید از دریچه فرهنگ بگذرد چرا که مسئله فرهنگی امری ریشه دار است.

به گزارش خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی عمار»، احمد سبحانی سفیر سابق کشورمان در ونزوئلا با اشاره به اینکه بدلیل ریشه لاتینی زبان مردم آمریکای جنوبی به کشورهای این منطقه، آمریکای لاتین نیز می گویند، گفت: من از سال ۲۰۰۱ میلادی و در حالی برج های دوقلو سازمان تجارت جهانی مورد حمله قرار گرفته بودند و حدود ۲۰ روز از ریاست جمهوری هوگو چاوز می گذشت به عنوان سفیر ایران به این کشور رفتم.

سبحانی در ادامه سخنان خود با اشاره به برگزاری نشست های فرهنگی و هفته فیلم و موسیقی از سوی ایران در کشورهای آمریکای لاتین و استقبال مردم این کشور، اظهار داشت: آمریکای لاتین یکی از مناطق کمتر شناخته شده از سوی ایرانیان است که بعضا تصورات غلط و نادرستی نسبت به مردمان آن دیار در اذهان عموم وجود دارد.

سفیر سابق کشورمان در ونزوئلا اظهار داشت: در آمریکای لاتین شکاف طبقاتی بسیاری وجود دارد که این مسئله می تواند به سوژه ای ناب برای اهل هنر تبدیل شود.

سبحانی با اشاره به اهمیت سینما در کشورهای آمریکای لاتین تصریح کرد: به دلیل اختلاف طبقاتی در این کشورها در جامعه متوسط به پایین فیلم های اجتماعی و در طبقات متوسط به بالا فیلم های جشنواره ای مورد پسند واقع می شد.

سفیر سابق کشورمان در ونزوئلا با اشاره به استقبال مردم برخی از کشورهای آمریکای لاتین از فیلم های مجیدی از جمله رنگ خدا و بچه های آسمان اظهار داشت: بنده به ایجاد حرکت های دولتی در مسیر ارتباط فرهنگی اعتقادی ندارم و بر این باورم که جریان های فرهنگی و گروه های هنری از جنس مردم با ایجاد ارتباط می توانند



نشست نقد و بررسی «مادر کشی»

علت اصلی بحران زیست محیطی توسعه وارداتی است

سید حسین شهرستانی پژوهشگر و فعال فرهنگی نیز که در این نشست نقد و بررسی حضور داشت در سخنانی، گفت: در نقد دیدگاه های توسعه تا امروز حرف ها و سخنان زیادی بیان شده است اما باید به این موضوع مهم اشاره کنم که آن بلاها و آسیب هایی را که ما در کشور خود بر سر طبیعت خود آوردیم آنها بر سر محیط زیست خود نیاورده اند.

وی افزود: احساسی که از دیدن این مستند باید به ما دست بدهد این است که در حوزه مدیریت محیط زیست کشور حداقل احساس گناه کنیم. زیرا در کنار جنایت های بسیاری که امروزه آمریکا و داعش و آل سعود در دنیا انجام می دهند ما نیز جنایت هایی را در حوزه بحران محیط زیست کشور رقم می زنیم.

کمیل سوهانی کارگردان این مستند نیز در انتهای این برنامه در سخنانی، گفت: مستند «مادر کشی» حاصل یک کار دینی بوده است. این مستند حاصل ۱۸ ماه کار یک گروه ۱۰ نفره است. همچنین یک تیم پژوهشی ۸ نفره هم کارهای مربوط به تحقیق ساخت آن را برعهده داشته است.

وی افزود: تمام چیزهایی را که در این مستند مشاهده کردید مواردی بود که بعد از چندین ماه کار پژوهشی به آن دست پیدا کردیم. اینگونه می توانم بیان کنم که علت اصلی بحران محیط زیستی که امروز در کشور با آن روبرو هستیم تعریف نادرستی بوده که از توسعه وارد کشور شده است. سوهانی خاطر نشان کرد: نکته دیگر در ماجرای این بحران در کشور حضور یک نوع نگاه فن سالارانه بوده است. در حقیقت امروزه فن سالاران گردانندگان سیاست های مختلف سیاسی و اقتصادی و حتی فرهنگی کشور هستند.

وی اضافه کرد: اگر بخواهم شفاف بیان کنم اتفاقی که امروز در مسئله مدیریت بحران آب در سطح کشور ما رخ داده این بوده است که هم پول داشتیم و هم علم ولی نگاه اقتصادی به موضوع محیط زیست در کشور نداشته ایم. در حقیقت تصمیم گیرندگان ما مهندس بودند و نگاهی تکنوکرات به اقتصاد داشتند.

به گزارش خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی عمار» نشست نقد و بررسی مستند «مادر کشی» با حضور حجت الاسلام «علی کشوری» دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، «سید حسین شهرستانی» پژوهشگر و فعال فرهنگی و «کمیل سوهانی» کارگردان این مستند در محل لابی طبقه سوم سینما فلسطین برگزار شد.

حجت الاسلام علی کشوری، دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در ابتدای این نشست در سخنانی گفت: مستند «مادر کشی» در درجه نخست به صورت شفاف و روشن خطاهای محاسباتی جریان توسعه گرا را در کشور و در این سالها نشان می دهد. در حقیقت این مستند مشکلات محیط زیستی را نشان می دهد و در رأس آن به مسئله و معضل سدها در سطح کشور پرداخته است.

حجت الاسلام کشوری، اضافه کرد: در حقیقت امروز برای همه ما این موضوع در حال اثبات است که ادبیات توسعه ای تا چه میزان ناکارآمد است. در این مستند می بینیم که کارگردان صحبت اصلی خود را پیرامون سدها انجام می دهد.

دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی تصریح کرد: در مستند «مادر کشی» آقای سوهانی با مخاطبان به گفتگو می نشیند و می گوید که ما در این سالها و در زمان مدیریت خود انسان های نادانی بودیم که از این روشها در حوزه مدیریت محیط زیست استفاده می کردیم.

وی افزود: ما باید در ورودی های نقد توسعه فقط از محیط زیست شروع به بحث نکنیم. بلکه باید ببینیم و این بحث های خود را از خانواده ها آغاز کنیم. ما امروز از محاسبات غلط، فقط در حوزه محیط زیست آسیب ندیدم بلکه در حوزه های مختلفی با این آسیب ها روبرو شدیم.

دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی ادامه داد: توسعه، به صورت پدیده ای سفارشی از کشورهای توسعه یافته وارد کشور ایران شده است. برای همین هم هست که آسیب هایی را هم که ما با آن روبرو شدیم بیشتر از آسیب هایی بود که خود کشورهای پیشرفته متحمل شدند.





1

فیلمی که نساخته ایم!

فیلم نامه یکی از ارکان مهم جهت تولید آثار سینمایی است و بسیاری از فیلم سازان از نبود فیلم نامه مناسب به عنوان یکی از معضلات تولید آثار سینمایی یاد می‌کنند؛ جشنواره عمار نیز یکی از اهداف خود را معرفی سوژه‌های جدید به سینمای ایران می‌داند؛ از این رو در این بخش به معرفی تعدادی از فیلم نامه‌های ارسالی به این دوره از جشنواره می‌پردازیم.



مترسک

سعید بیچک

خلاصه اثر

مترسکی با لباس نظامی به همراه کلاغ‌هایی بر مزرعه آفتابگردانی حکومت کرده و مانع رسیدن نور خورشید به گل‌ها شده و مدعی است خورشید اوست. کبوترها و گنجشک‌هایی که به مزرعه می‌آیند به دستور مترسک توسط کلاغ‌ها زخمی می‌شوند. در نهایت چند بذر که توسط گنجشکی زخمی پای مترسک افتاده رشد کرده و به دور مترسک پیچیده، او و کلاغ‌هایش را از بین می‌برند. خورشید و شادابی به مزرعه باز می‌گردد. کلاغ‌هایی از دوردست مزرعه را مشاهده می‌کنند.

نمایی از اثر

خارجی - روز - مزرعه

-درافق کوهستان‌های در هم تنیده را که برف روی آنها را پوشانده می‌بینیم آسمان سیاه در بالای کوهستان قرار دارد و سیاهی اش با سفیدی برف درهم می‌روند در دشت زیر کوهستان یک مزرعه‌ی آفتابگردان را می‌بینیم که یک مترسک در بلندترین نقطه‌ی آن قرار دارد خورشید در پشت مترسک می‌باشد و مترسک تماماً جلوی خورشید را گرفته است و دایره‌ی خورشید در پشت سر مترسک مخفی شده است. به دور مترسک می‌چرخیم و آنرا از پایین به بالا مشاهده می‌کنیم مترسک از پایین توسط چوبی به زمین متصل می‌باشد چوبی که از جنس درخت گردو می‌باشد یک لباس سفید پاره پاره و تیره بر تن دارد و بر روی لباسش یک اورکت نظامی که تعداد زیادی درجه و... وجود دارد پوشیده است و بر روی سرش یک کلاه نظامی وجود دارد و گردن‌بند بزرگی به شکل مستطیل بر گردنش دارد که رویش نوشته است (I AM SUN) و روی شانه‌هایش تعداد زیادی کلاغ سیاه بخت نشسته‌اند

-سپس آفتابگردان‌ها را می‌بینیم که مجبور هستند بجای نگاه کردن به خورشید به مترسک نگاه کنند یک آفتابگردان از فرمان سرپیچی می‌کند و به خورشید نگاه می‌کند و از پژمردگی بیرون می‌آید مترسک با دیدن این صحنه پریشان میشود به کلاغ‌ها دستور می‌دهد به سمتش بروند کلاغ‌ها پرواز می‌کنند و بر روی شاخه‌ی گل می‌نشینند و آن را می‌شکنند و سرخوردن گل آفتابگردان با هم جدال می‌کنند و بعد از خوردن آن به سمت مترسک می‌روند.

-کلاغ‌ها را می‌بینیم که بر روی شانه‌های مترسک نشسته‌اند و عده‌ای دیگر از آنها در گوشه‌ای در حال خوردن گل‌ها هستند



فاطمه بانو

علیرضا نوروزی خراسانی

خلاصه اثر

شهری کوچک در استان گلستان، راهزنان مدام به آنجا حمله می‌کنند. فرمانده پاسگاه به همراه سربازانش برای مقابله با راهزنان به خارج از شهر می‌روند. فرمانده کشته و سربازان زخمی باز می‌گردند. فاطمه بانو همسر فرمانده کشته شده برای جلوگیری از شورش زندانیان و تا آمدن فرمانده جدید، خود فرماندهی را به عهده می‌گیرد. با کمک نیروهای مردمی و چند سرباز با راهزنان درگیری می‌شوند. فرمانده جدید با سربازان به مهلکه می‌رسند. راهزنان را تار و مار می‌کنند. فرمانده جدید که قدرت یک زن را در سیستم شاهنشاهی رضاخان یک ضعف می‌بیند، فاطمه بانو را از پاسگاه بدون هیچ تشکری بیرون می‌اندازد. مردم از فاطمه بانو و فرزندان‌ش استقبال می‌کنند. در دوران انقلاب فاطمه بانو یکی از اعضای شورای شهر می‌شود.

«جشنواره عمار» تغییر استراتژی جبهه فرهنگی انقلاب

مجتبی مرادی

بوده؛ در حوزه‌ی تولیدات انقلاب اسلامی یکی از دغدغه‌هایی که همیشه به‌طور خاص مطرح بوده اکران و توزیع محصولات به‌خصوص در حوزه دیجیتال بوده، ایجاد شبکه‌ها و دبیرخانه‌های اکران مردمی در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین استفاده از ظرفیت‌هایی همچون مساجد به‌عنوان یکی از پیوند دهنده‌های مهم مردمی سبب این شده تا دغدغه‌مندی و انگیزه نسبت به توزیع رسانه‌ای تولیدات این جشنواره در میان مردم افزایش پیدا کند و باعث شود تا مردم با توجه بیشتری به اتفاقات روزمره نگاه کنند و فرهنگ مردمی دوباره رنگ و بوی حقیقی‌تری را به خود بگیرد و همچنین نگرانی‌های گذشته همچون مباحث مالی و شبکه‌های توزیع نسبت به عدم گسترش محصولات فرهنگی کاهش پیدا کند.

سومین ویژگی که دستاورد حقیقی این جشنواره بوده ظهور و بروز استعدادها در قالب گفتمان انقلاب اسلامی و نیز پرورش و کادر سازی در چارچوب آن است، کادر سازی شبکه‌ای که یکی از معضلات مهم در فعالیت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی بوده، زیرا در سال‌های پس از انقلاب در فعالیت‌های فرهنگی این جبهه نتوانسته کادرسازی مبتنی بر نیاز روز آن هم با شبکه‌ای حساب شده در سراسر کشور انجام دهد. به همین سبب ظهور جشنواره عمار در این بخش توانسته تحولی حقیقی و همچنین بستری مناسب ایجاد کند تا با گشودن فضاهای بسته و همچنین ایجاد انگیزه و امید در کنار جهت‌دهی، سیاست‌گذاری و آموزش، شبکه‌ای از نیروهای فعال را در حوزه‌های مرتبط با آن ایجاد کند.

بخش‌های متفاوت جشنواره عمار همچون افزودن بخش‌های بازی‌های رایانه‌ای و تیزرهای تبلیغاتی سبب تنوع در مخاطبین در این جشنواره شده و پاسخی هم به نیازهای فرهنگی امروز جامعه در این حوزه‌ها می‌باشد تا تولیدکنندگان رسانه‌ای در تولید، توزیع و اکران این محصولات یاری شوند در کنار این بخش‌ها نیز حضور و اکران در حوزه‌های بین‌المللی به‌عنوان گامی بلند برای استفاده از ظرفیت‌های دیجیتال و رسانه‌ای انقلابی اسلامی برای تحقق همان هدفی که در دو

نامه‌ی مهم رهبری به جوانان غربی دنبال می‌شده، برداشته شود زیرا ورود به حوزه‌های عملیاتی فرهنگی و استفاده از هنر آن هم در قالب‌های پرمخاطب بهترین وسیله برای گسترش و انتقال اهداف این نامه ۰ می‌باشد.

در میان همه‌ی این نکات و تحلیل‌ها آن چیزی که این جشنواره را

در سال‌های پس از انقلاب فعالین خرد در فضای انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف فیلم‌سازی آرزویی وجود داشت که در میان همه‌ی این همه‌های جشنواره‌ای از «فیلم فجر» تا «اسکار» و «گلدن گلوب» سهمی برایشان هم وجود می‌داشت که بتوانند آثار خودشان را برای مخاطبین عرضه کنند. آثاری که در هر نقطه از کشور تولید می‌شده به دلایلی همچون عدم حمایت و همچنین در بسیاری هم به دلیل برخی ضعف‌ها بر روی زمین می‌مانده و نمی‌توانسته خودش را به مخاطبش که هدف اصلی ساخت فیلم است، برساند. متأسفانه «سینمای گیشه محور جشنواره‌ای» آفت نگاه نفوذی‌ها به سینمای جمهوری اسلامی بوده، که آثارشان را با توجه به جشنواره‌هایی همچون اسکار و گلدن گلوب تنظیم می‌کرده اند که این مسئله بسیار به آن دامن می‌زده است. آفتی که سبب می‌شد تا بسیاری از استعدادهای جوانان نادیده و سرانجام سرکوب شود. اما در این سال‌ها که مسئولین سینمایی و سینماگران از کاهش مخاطب در سینماها گلایه‌های بسیاری دارند و همچنین بسیاری از فیلم‌های سینمای انقلاب اسلامی به دلیل عدم حمایت‌های مالی به مراحل ساخت وارد نمی‌شدند و جای خود را به فیلم‌هایی با محتوای سخیف برای کارکرد تجاری ساخته می‌شد، می‌داده‌اند. «جشنواره‌ی مردمی عمار» از بستر فتنه ۸۸ و پس از حماسه ۹ دی رویداد و به‌عنوان یکی از رویش‌های جریان ساز فرهنگی آن لقب گرفت.

ویژگی‌های خاص و انقلابی این جشنواره در این ۶ دوره که از آن گذشته سبب شده تا جشنواره، رویش خود را سرعت ببخشد و توانسته از سایر فعالیت‌ها خود را مجزا کند؛ این جشنواره توانسته در کنار رشد مخاطبین خود و از طرفی هم افزایش قابل ملاحظه‌ی تولیدات و همچنین نفوذ در میان فعالان جوان فرهنگی به رشد آن‌ها کمک کند و بتواند نسلی را برای آینده فیلم‌سازی انقلاب اسلامی پرورش دهد.

اولین ویژگی مهم این جشنواره که اصل و اساس شکل‌گیری آن بوده، عدم محدودیت برای سازندگان حوزه انقلاب اسلامی است، ایجاد فضای برابر برای ارائه آثار که در هیچ جای کشور فرصت دیده شدن پیدا نمی‌کنند در کنار کمک به سوز و بیایی و جهت‌دهی به آن‌ها سبب گسترش

روزافزون تولیدات این جشنواره شده؛ افزایشی که خود نشان‌دهنده‌ی بالا بودن پتانسیل تولیدات رسانه‌ای در حوزه‌ی انقلاب اسلامی بوده که در گذشته به دلیل محدودیت‌های سایر جشنواره‌های رسانه‌ای نادیده گرفته شده است.

دومین ویژگی مهم این جشنواره ایجاد شبکه اکران در میان مردم

جشنواره عمار می‌تواند با رشد کیفیت تولیدات خود؛ سدی در برابر جریان نفوذ که مهمترین هدف آن تغییر در باورهای مردم است ایجاد کند و علاوه بر آن با توجه به جنس فعالیت آن در حلقه‌های تولید، توزیع، مصرف گسترش، نقش مهمی در گسترش روحیه انقلابی‌گری، صدور انقلاب و همچنین کادرسازی نیروهای انقلاب ایفا کند.

مراکز دینی از هنر روز عقب هستند

محمود علیخانی (امام جمعه مرزن آباد مازندران)

یکی از موفق‌ترین اسلوب‌ها و روش‌های سازندگی اخلاق و رشد تربیتی افراد، استفاده از هنر می‌باشد؛ هنر بر اعتقادات، اندیشه و تفکر، عواطف و کردارهای مردم تأثیر بسزائی داشته و می‌تواند در مسیر خودسازی انسان، نیروهای درونی را بسیج کند، و اثری ملموس بر مخاطب بگذارد.

از آنجا که اعتقادات دینی و مفاهیم اخلاقی غالباً مفاهیمی نا آشنا و غیر محسوس هستند و انسان‌ها عموماً با امور محسوس و دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها مأنوس هستند و از آن جهت که تثبیت این معانی و مفاهیم در ذهن و روح افراد لازم و ضروری است، باید این آموزه‌های مقدس دینی را در قالب هنر به افراد ارائه داد، و به محسوس کردن مفاهیم معقول دسترسی به این گونه مفاهیم را برای همه آسان تر کرد، زیرا با محسوس کردن معقولات آن‌ها را از حالت خاموشی و خفتگی به حالت بیداری و فعال در ذهن و خارج ذهن تبدیل می‌کند.

به عبارتی معانی معقوله در ذهن مستقر و تثبیت نخواهد شد مگر آنکه به صورت محسوس به ذهن‌ها نزدیک شود. داستان‌های قرآنی و روایی از این مقوله می‌باشد. و نیز علما، حکما و عرفا در این زمینه تلاش و کوشش فراوانی کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به آثاری چون: رساله الطیر، منطق الطیر، سلامان و ابسال، حی بن یقظان و... نام برد.

با این‌که باید در قالب هنر دینی، معقولات را به محسوسات، مسائل عالی را به مطالب عادی و امور غیب را به صورت شهود در جامعه پیاده کرد.

باید بدانیم بعضی سخن‌ها را فقط با بعضی ابزارها می‌توان گفت. مثلاً شاید هیچ وقت نتوانیم، صرفاً از روی یک شعر حافظ یک فیلم سینمایی بسازیم، زیرا حافظ با دقت مطلبی را انتخاب کرده که صرفاً با شریبان می‌شود. در این صورت این اثر برای همیشه بصورت یک شعر باقی است و هیچ کس خود آنرا به زبان دیگر در نمی‌آورد. ولی شده است که یک اثر هنری با یک ابزار دیگر بیان بسیار زیبایی به خود گرفته است.

امروز بشر تشنه‌ی هنر است و اصل هنر یک وسیله انتقال است، علم نیست. یک ظرف خوبی است، حالا یا ظرف زرین است یا بلورین است این ظرف است وسیله انتقال است از وسیله انتقال، انسان معارف را کسب نمی‌کند.

در گذشته مساجد و مراکز دینی از هنر خالی نبودند، شعر، مداحی، نقاشی، معماری، هنرهای تجسمی، تذهیب و نگارگری، تزیین و نمایش خوانی و... از جمله هنرهایی بودند که هنوز هم وجود دارد؛ اما متأسفانه امروزه مراکز و مجالس مذهبی از هنر روز مثل سینما و فیلم عقب هستند و پا به پای دنیا پیش نرفته است که یا به علت نداشتن علم و امکانات بوده و یا به تصور وجود ابتدال در این هنر. به همین دلیل این هنر و تخصص در مسیر ضد بشری و ضد دینی قرار گرفته و وسیله‌ای برای مبارزه با حق و حق پرستان شده است. امروزه بزرگترین پشتوانه غرب و صهیونیست هنرمندان غیر متعهد و متخصصان مزدور هستند که با بکارگیری ذوق هنری در خدمت مستکبران و زورمندان برای ترویج امور باطل و پوچ خود هستند و هنر سینما و هنرهای تصویری - به ویژه از نوع هالیوودی - وسیع‌ترین راه تهاجم فرهنگی هستند که باعث ترویج فساد و ضد ارزش‌ها و ایجاد انحراف فکری و عقیدتی و اخلاقی در میان نسل‌ها شده است. همان گونه که در گذشته سامری با هنر مجسمه سازی خود گوساله‌ی سامری درست کرد و باعث انحراف و اختلاف قوم موسی شده است.

بنابراین از کارکرد اجتماعی هنر - مخصوصاً در نماز جمعه - نباید غافل بود، و با همراه کردن تربیت اسلامی و معارف اسلامی با آموزش هنر، مسئولیت خود در انجام متعهدانه‌ی مسائل هنری را بپذیریم و با پرداختن به هنرهای اصیل اسلامی با کمک هنرمندان متعهد نقیصه‌ی گذشته را ان شاء الله جبران نماییم.

به تعبیر آیت الله جوادی آملی اگر هنرمندی بخواهد وارد این حوزه شود، باید چهار ضلعی باشد؛ یعنی وحی شناس، معقول شناس، متخیل شناس و محسوس شناس باشد تا بتواند دست به کار شود. این کار عظیمی است. چه نهادی بهتر از مسجد و نماز جمعه که آگاهان به این اضلاع چهارگانه فوق در آنجا هنرنمایی کنند، و از راه هنر به نبرد با هنر مبتذل و غیر متعهد و فریبنده بروند. اکنون که بحمد الله به برکت خون‌های مطهر شهدا این بستر فراهم است مخصوصاً در قالب فیلم‌های جشنواره عمار باید در راستای این آرمان حرکت کرد.

در میان سایر فعالیت‌های فرهنگی صورت گرفته در جمهوری اسلامی در جایگاه مهم‌تری قرار دهد، «تغییر استراتژی» در فعالیت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی است. تغییری که به دلیل تجمیع تولید، توزیع، آکران و همچنین شبکه‌سازی کادر سازی آن هم در حوزه‌ی محصولات رسانه‌ای به عنوان اساس فعالیت ایجابی این جشنواره در عرصه‌ی فرهنگ و بهره‌گیری از جذابیت‌های هنر رسانه، سبب شده تا هنر انقلاب اسلامی و فعالیت‌های فرهنگی آن از موضع بعضاً انفعالی و اکثر تدافعی در حوزه‌ی جنگ نرم که در این سال‌ها از ایرادات مهم این جریان بوده، خارج کند و به سوی نگاه جریان سازی در مقابله و تهاجم فرهنگی دشمن هدایت کند و نگاه ایجابی خود را بر نگاه‌های عمدتاً سلبی فعالیت‌های فرهنگی غلبه دهد.

جریان جشنواره عمار در پازل فعالیت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی می‌تواند با رشد کیفیت در تولیدات خود در بستن نقاط نفوذ پذیر و دفاع در برابر تغییر باورهای مردم که مهم‌ترین هدف جریان نفوذ بوده و علاوه بر آن به گسترش روحیه انقلابی‌گری و دغدغه مندی مردم نسبت به معضلات جامعه و صدور انقلاب با توجه به جنس فعالیت آن در حلقه‌های تولید، توزیع، مصرف و همچنین کادر سازی نقش اصلی را ایفا کند. نقشی که از ابتدای انقلاب اسلامی تا امروز بر زمین مانده و همین از عوامل مهمی بوده که سبب رشد برخی ناهنجاری‌ها در جامعه شد تا امیدواری دشمنان به نفوذ در فرهنگ انقلاب اسلامی بیشتر شود.



«بار دیگر مردی که دوست می داشتیم» به روایت یادگاری

جدایی نادر از روشنفکران

محمدحسن یادگاری متولد ۱۳۷۰ در تهران و کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه است. فیلم سازی را با طی دوره فیلم سازی درکانون سینماگران جوان و کانون فیلم دانشگاه تهران و کارگاه های مهرداد اسکویی و نادر طالب زاده، از سال ۹۰ شروع کرده است. کلیپ وی درباره نامه مقام معظم رهبری در نوروز ۹۴ حدود نیم میلیون بازدید اینترنتی داشته است و مستند " داوطلبین عزیز " جایزه بخش نقد درون گفتمانی چهارمین جشنواره مردمی عمار را به خود اختصاص داده است. یادگاری با مستند " به ایران خوش آمدید " در بخش بین الملل ششمین جشنواره عمار و با مستند " بار دیگر مردی که دوست می داشتیم " در بخش داخلی این جشنواره شرکت کرده است.

است که هیچ کس با درخواست همکاری برای ساخت مخالفت نمی کرد و اشخاصی مانند ابراهیم حاتمی کیا، کیومرث پوراحمد، مرتضی سرهنگی، مصطفی رحماندوست و حتی مخالفان فکری ایشان با ما همکاری کردند.

یادگاری با اشاره به شلوغی سینما فلسطین در زمان اکران برخی فیلم های جشنواره عمار گفت: استقبال از جشنواره عمار از برخی جشنواره ها بیشتر است و این نشان می دهد مردم همراه این جشنواره هستند و از طرف دیگر اکران های مردمی این جشنواره اتفاقی است که در دنیا کم نظیر است.

وی با اشاره به اینکه ما ادعا داریم انقلاب اسلامی حرف هایی برای تمام سلاقی دارد تصریح کرد: فیلم سازان باید بتوانند این ادعا را در عرصه فیلم سازی و جشنواره عمار آن را در انتخاب فیلم هایش نشان دهند.

یادگاری با بیان اینکه بسیاری از ایده های فیلم های داستانی از درون مستند بیرون می آید، خاطر نشان کرد: جشنواره عمار در مستند سازی توانسته تأثیرگذار باشد اما باید به گونه ای باشد که بتواند با فیلم هایش علاوه بر افراد مذهبی، اقشار مختلف مردم را به سینما بکشاند و اگر هر فیلم مانند سال های گذشته در دو نوبت اکران شود بهتر است.

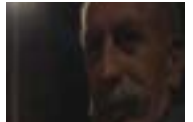
محمدحسن یادگاری کارگردان مستند «مردی که دوست می داشتیم» در گفتگو با خبرنگار «نشریه روزانه ششمین جشنواره مردمی عمار»، درباره این مستند، گفت: با مطالعاتی که داشتم متوجه شدم «نادر ابراهیمی» شخصیتی بسیار متفکر و معتقد به اصول دینی و انقلابی است که هر چند در ابتدا برآمده از جریان روشنفکری است، اما بعد از مدتی با مطالعاتی که داشته است از این جریان جدا می شود و حتی به مقابله با آن می پردازد.

وی با اشاره به اینکه «نادر ابراهیمی» شخصیت بسیار جالب توجه و پرکاری داشتند افزود: ایشان فیلم سازی بودند که اصول اخلاقی را در صحنه فیلم برداری رعایت می کردند و اشخاصی مانند کیومرث پوراحمد و ابراهیم حاتمی کیا از شاگردان ایشان بوده اند.

این مستند ساز جوان کشورمان تصریح کرد: نادر ابراهیمی به ابوالمشاغل معروف بود و چندین کار مانند نوشتن و فیلم سازی را همزمان و با کیفیت عالی انجام می داد.

یادگاری ادامه داد: این مستند را برای نشان دادن روحیه انقلابی «نادر ابراهیمی» که کمبود آن در هنرمندان احساس می شود و برای جبران محجور بودن ایشان در میان اهل فرهنگ ساختم و در واقع این مستند «داستان جدایی نادر از روشنفکران» است.

وی اظهار داشت: شخصیت «نادر ابراهیمی» به قدری جذاب و تأثیرگذار





داستان متفاوت یک هیئت را در عمار نظاره گر باشید

«هیئت زید شهید» مستندی است درباره هیئتی به همین نام در خراسان رضوی که توسط افغانی‌های مقیم این استان در سال ۱۳۶۵ تأسیس شده و این سال‌ها در مناسبت‌های مختلف به برپایی برنامه‌های گوناگون می‌پردازد.

ابراهیم یزدانی که در پنج سالگی به همراه خانواده اش به ایران مهاجرت کرده در این مستند به روایت فعالیت‌های هیئت عزاداران زید شهید می‌پردازد.

بیشتر فعالان در این هیئت از مردم مزار شریف هستند ولی در مجموع هیئتی است متعلق به همه مشتاقان اهل بیت (س) است که سال‌هاست در این هیئت حضور دارند.

کارگردانی و تهیه‌کنندگی مستند «هیئت زید شهید» را محمد مهدی خالقی بر عهده داشته است.



«برعکس»

نگاهی طنزانه به مذاکرات هسته‌ای

برعکس عنوان اثری کوتاه در قالب داستانی است که در شیوه‌ای طنزانه و توبه‌موضوع مذاکرات هسته‌ای و عدم صداقت طرف مذاکره‌کننده غربی در جریان این مذاکرات پرداخته است.

این اثر ۷ دقیقه‌ای را حسین امانی کارگردانی و نویسندگی کرده است.



کارگردان «سربرز» از کردستان می‌گوید

وقفی برای «وحدت» و سربلندی

علی گایینی متولد سال ۱۳۶۱ در شهرستان قم پس از اخذ مدرک کاردانی خود از دانشکده فرهنگ و هنر تهران در سال ۸۲ فعالیت خود را در تولید مستند، نماهنگ و فیلم کوتاه آغاز کرده و آثاری همچون «مهر و ماه»، «آیت شجاعت و تقوا»، «روسفید»، «مرگ یک رویا» و موفقیت در جشنواره اشراق و رسول مهربانی و جشنواره بین‌المللی دانشجویی را در کارنامه هنری خود دارد.

علی گایینی، کارگردان مستند «سربرز»، در گفت‌وگو با خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار»، به بیان داستان این مستند پرداخت و اظهار داشت: «سربرز» در زبان کردی به معنای سربلند است و موضوع آن در مورد پیرمردی شافعی مذهب در روستای علی‌آباد شهرستان قروه است که اموال خود را جهت ساخت و استفاده دو مسجد در شهرستان قروه، یکی برای اهل سنت و دیگری برای شیعیان وقف می‌کند و فضای مثبتی از همگرایی اهل سنت و تشیع در این شهرستان بوجود می‌آورد. وی افزود: در این اثر که با موضوع وحدت تولید شده، فضای کلی روستا و برخی از مسائل حاشیه‌ای مرتبط با آن به تصویر کشیده است.

کارگردان مستند سربرز، با اشاره به رابطه شیعیان و اهل سنت در روستای سربرز، بیان داشت: فضای حاکم بر این منطقه و تعامل شیعیان و اهل سنت بسیار مثبت است تا آنجا که سنت ازدواج در میان برقرار بوده و در خانواده‌های اهل سنت اسامی اهل بیت (ع) همچون علی، فاطمه، حسین و... به وفور یافت می‌شود.

علی گایینی، به گفت‌وگوی خود با خانواده حاج فرج که اموال خود را در راستای تحکیم وحدت وقف کرده، اشاره و خاطر نشان کرد: همسر و فرزندان حاج فرج با اینکه در ظاهر اموالی که به آن احتیاج داشتند را از دست داده بودند از این وقف بسیار خرسند بودند؛ چرا که اهمیت وحدت جامعه مسلمین را به خوبی درک کرده و در راستای آن تلاش می‌کردند.

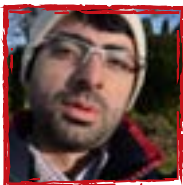
وی با اشاره به ایده اولیه این مستند، عنوان کرد: تهیه‌کننده مستند، آقای اکبر مخدومی سوژه این مستند را معرفی کردند و با توجه به ضرورت تقویت وحدت در کلام مقام معظم رهبری، برای تولید این اثر راهی کردستان شدیم.

کارگردان مستند «سربرز»، در خصوص ارسال این مستند به جشنواره مردمی عمار، خاطر نشان کرد: جشنواره عمار به دلیل مردمی بودن، می‌تواند نقش مهمی در دیده شدن چنین آثاری در جامعه داشته باشد و ادامه دادن این شیوه در آینده موجب ارتقا چشمگیر فرهنگ عمومی خواهد بود.

علی گایینی، از تولید اثری در زمینه دفاع مقدس خبر داد و گفت: جزیره خارک در زمان جنگ به صورت میانگین هر روز یک حمله هوایی را تجربه کرده است و هم‌اکنون مراحل تصویربرداری اثری در این زمینه در دست اقدام است.

سکوت مسئولان در برابر ۳۳ سال سکوت

حسین شقمقدری، دانش آموخته رشته متالوژی دانشگاه شریف است که پس از فارغ التحصیلی این رشته ها را رها کرد و به عرصه فیلمسازی روی آورد؛ او ورودش به عرصه فیلمسازی را حاصل یک دغدغه جمعی به همراه گروهی از دوستانش در دانشگاه صنعتی شریف دانست، دغدغه ای که در آن می خواستند حرف های ناگفته ای را به وسیله سینما در بیان کنند. شقمقدری پس از وقایع فتنه ۸۸ توانست نخستین اثر خود با نام «یزدان تفرنگ ندارد» به تولید برساند، اثری که به واکاوی برخی از حوادث آن دوره می پرداخت. پس از این اثر، حسین شقمقدری با همراهی گروه فیلمسازی «آرمان مدیا» به ساخت آثاری که اغلب در زمینه نقد درون گفتمانی هستند پرداخت و امسال با اثر «سی و سه سال سکوت» در ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار حضور دارد.



واکنش مسئولان بنیاد جانبازان و بنیاد شهید یا دیگر مسئولان به این مستند چگونه بود؟

پس از نوشتن طرح اولیه این مستند با موضوع زندگی جانبازان پناهنده، بسیاری از نهادها این طرح را رد کردند و ضرورتی جهت پرداخت به این مسئله احساس نکردند، اما پس از ساخت نظرشان عوض شد و شاید ذهنیت شان این بود که مصاحبه با این افراد برای نظام هزینه هایی به همراه دارد؛ در حالی که دیدیم صحبت های این جانبازان نه تنها سبب تضعیف نظام نمی شود بلکه در راستای مسیر ارزش های اسلامی و بازگشت به اصول نظام است و این اثر بدون قرارداد و حمایت ارگانی خاص مرحله تولید را پشت سر گذاشت.

پس از ساخت نیز متأسفانه هیچ واکنشی از این مسئولان دریافت نکردیم و آن ها سکوت را در برابر «۳۳ سال سکوت» انتخاب کردند و من انتظار داشتم حداقل یکی از مسئولان بنیاد جانبازان یا بنیاد شهید، واکنشی منفی یا مثبت نسبت به سخنان مطرح شده در این مستند داشته باشد، اما سکوت کردند و به نظرم این سکوت جالب نیست و شاید هنوز آن چنان که باید و شاید وادار به پاسخگویی نبوده اند.

من از همین جا دعوت می کنم تا مسئولان بیابند و پاسخگوی کم کاری خود باشند و بگویند که چقدر از حال و روز جانبازان در دیار غربت خبر دارند؟ و چقدر به این جانبازان رسیدگی می شود؟ جانبازان پناهنده شده به کشورهای اروپایی تعدادشان کم نیست و ما در مسیر ساخت این مستند دوزنده های بسیاری در اروپا پیدا کردیم.

در آثار شما در مقام کارگردان همواره ردپایی از آثار «ابراهیم حاتمی کیا» وجود داشته، دلیل خاصی پشت این کار بوده است؟

دلیل این که سوژه جانبازان پناهنده را برای پرداخت انتخاب کردید چه بود و چگونه به این سوژه دست یافتید؟

در مستند «میراث آلبرتا ۲» که قبل از «۳۳ سال سکوت» آن را کار کردم، با جمعی از ایرانیان جانباز مهاجر به اروپا مواجه شدیم، مسئله ای که در ذات خود دارای تضاد و قصه ای دراماتیک بود؛ چرا که این افراد از جان خود برای حفظ وطن و کشورشان گذشته بودند و اکنون مجبور به پناهندگی به کشور دیگر شده بودند.

در یکی از آثار ابراهیم حاتمی کیا به نام «از کرخه تا راین»، قضایای در مورد این افراد می شود که آن ها به کشورشان پشت کرده اند اما ما در هنگام

برخورد با آن ها سعی کردیم ببینیم این قضاوت تا چه میزان صحیح است و پس از صحبت متوجه شدیم که خیلی از این جانبازان حق داشتند که پناهنده شدند و دیدیم که تناقض دو قطبی در این میان وجود دارد و در تحقیقاتمان با جانبازان مختلفی روبرو شدیم و به آقای دوزنده رسیدیم و به خاطر ویژگی هایی که داشت بهترین گزینه ما برای پرداخت و ساخت اثر بود.

اما در مجموع دغدغه ای که داشتیم پیرامون این بود که مسئولینی که در کشور اقداماتی انجام می دهند به اسم نظام تمام می شود و باید روزی پاسخگو باشند و مرام این جانبازان باعث شده بود، آن ها هرگز حاضر نشوند در برابر دوربین بیگانگان سخنانشان را مطرح کنند.

از زمان یافتن جناب دوزنده و صحبت پیرامون

ساخت اثری یا موضوع جانبازان پناهنده، حدود دو هفته ای طول کشید تا مرحله ارتباط و آشنایی کامل شد و پس از قطعی شدن کار و قبل از آغاز فیلمبرداری، آقای دوزنده استخاره ای کرد که حرف هایش را در فیلم بزند یا نه که خوشبختانه استخاره خیلی خوب آمد و جلوی دوربین ما حاضر شد.

پس از ساخت نیز متأسفانه هیچ واکنشی از این مسئولان دریافت نکردیم و آن ها سکوت را در برابر «۳۳ سال سکوت» انتخاب کردند و من انتظار داشتم حداقل یکی از مسئولان بنیاد جانبازان یا بنیاد شهید، واکنشی منفی یا مثبت نسبت به سخنان مطرح شده در این مستند داشته باشد، اما سکوت کردند و به نظرم این سکوت جالب نیست و شاید هنوز آن چنان که باید و شاید وادار به پاسخگویی نبوده اند.



برای نسل من فیلم‌های حاتمی کیا بسیار الهام بخش و از جمله فیلم‌هایی بود که از طبقه شبه روشنفکر در کشور جدا بود و این مسئله سبب شد تا نسبت فیلم‌های وی حس نوستالژیکی برای من ایجاد شود و این مسئله که بخش‌هایی از فیلم‌های آقای حاتمی‌کیا در آثار من دیده می‌شود امری اتفاقی است و در مستند «۳۳ سال سکوت» نیز سوژه اثرمان دقیقاً همان شخصیت فیلم «از کرخه تا راین» بود.

جشنواره عمار و نقش آن در گسترش نقد درون‌گفتمانی

جشنواره عمار و فیلمسازان آن به دنبال هنر متعهدند، هنری که احساس مسئولیت می‌کند و امیدوارم اثرگذاری این حس مسئولیت در اصلاح مشکلات در جامعه بیشتر شود، این جشنواره برای خود من و هر فیلمسازی فرصتی استثنائی است برای این که فیلمش در سراسر ایران دیده شود و بزرگترین دستاورد هر فیلم برای یک کارگردان دیده شدن اثرش است که این مهم در جشنواره عمار به وقوع می‌پیوندد.

متأسفانه بسیاری از فیلم‌ها که با بودجه بیت‌المال ساخته می‌شود نمی‌تواند آن گونه که باید و شاید و آن گونه که هزینه کرده‌اند، مخاطب داشته باشند و جشنواره‌هایی که در کشور برگزار می‌شود هم مخاطب خاص دارند و مردم به تماشای آن‌ها نمی‌نشینند. موضوعاتی که جشنواره عمار روی آن دست گذاشته خاص‌تر و متنوع‌تر است و با دیدی متفاوت‌تر به مسائل موجود در کشور نگاه می‌کند و این طرز نگاه به نظر من نسبت به فیلم‌های گیشه‌ای و فیلم‌های شبه روشنفکرانه در کشور قوی‌تر است.

به طور مثال خانواده‌ها جلسات قرآن‌خانگی برگزار می‌کنند و در ایام جشنواره عمار به دنبال فیلم‌های این جشنواره می‌روند و در این جلسه قرآن فیلم را پخش می‌کنند و این به نظرم اتفاق مبارکی است که خانواده‌ها خودشان می‌روند و فیلم‌ها را جهت نمایش پیدا می‌کنند.

شهیدی از جبهه خاکستری در «ضربه دوم»

هنگامه امیرپور متولد ۱۳۶۲ تهران فارغ التحصیل رشته کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه تهران مرکز است که روزنامه نگاری را نیز در دوره کارشناسی گذرانده و با مستند «ضربه دوم» در ششمین جشنواره فیلم عمار شرکت کرده است

هنگامه امیرپور کارگردان مستند «ضربه دوم» در گفتگو با خبرنگار «تشریح روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار» با اشاره به نحوه ورود و آشنایی اش با دنیای فیلم و هنر گفت: بواسطه فعالیت در باشگاه خبرنگاران جوان و ایسنا فرآیند مصاحبه آشنایی داشتم و آشنایی با «انجمن پیشکسوتان سپاس» مرا در مسیر حرفه ای مصاحبه با خانواده شهدا قرار داد و در حال حال نیز به این کار مشغول هستم.

امیرپور با اشاره به ارسال مستند «ضربه دوم» به ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار اظهار داشت: حدود ۹ ماه زمان صرف تولید مستند «ضربه دوم» و اتفاقات آن شد که سه ماه اول آن فقط شامل تحقیق و پژوهشی بود که توسط خودم صورت گرفت.

وی افزود: این مستند در مورد شهید «عجب گل» است که اوایل انقلاب در زمینه امنیت اطلاعات و جبهه خاکستری فعالیت می کرد و با گروهک های مختلف مبارزه می کرد. کارگردان مستند «ضربه دوم» با اشاره به فعالیت های شهید «عجب گل» در اول انقلاب خاطر نشان کرد: گروهک فرقان از گروه هایی بود که با شعار مبارزه علیه زر و زور و تزویر اقدام به ترور نیروهای انقلاب می کردند و این شهید بزرگوار اولین اقدام مهم علیه این گروهک را انجام داده و رهبر گروهک فرقان را دستگیر کرد که در دادگاه به اعدام محکوم شد.

وی افزود: ضربه آخر که باعث بسته شدن پرونده گروه فرقان می شود توسط این شهید بزرگوار صورت گرفت و این برای من جالب بود که چگونه و از چه طریق این عملیات را انجام دادند که طی آن موفق به شناسایی «عبدالرسول گیاهی» نفر دوم گروهک فرقان در زنجان و کشتن وی شد؛ هرچند که این اتفاق نوعی دوئل بود یعنی وقتی شهید «عجب گل»، عبدالرسول را می زند او هم به شهید «عجب گل» شلیک می کند و این شهید بزرگوار در راه حفظ امنیت نظام اسلامی و مبارزه با گروهک های معاند نظام، به شهادت رسید. امیرپور با اشاره به گمنامی شهدای عرصه امنیت ملی، بیان داشت: متأسفانه شهیدانی که در جبهه امنیتی و خاکستری فعالیت کرده اند به نوعی غریب و مجهول هستند در حالی که تک تک این شهیدان داستان های جالب و قابل تاملی دارند که ارزش آن را دارد که در مورد هر کدام از آن ها فیلم ساخته شود.

امیرپور با اشاره به خاطره ای از عنایات شهید «عجب گل»، بیان داشت: خواهر شهید می گوید: «یک روز خانمی غریب، سراسیمه در منزل ما آمد و با گریه و زاری می گفت می خواهم مادر شهید «عجب گل» را ببینم و یک سکه بهار آزادی به ما داد و گفت من این را نذر کرده ام، از ایشان ماجرا را می پرسیدیم و ایشان در جواب گفتند من یک مشکل خیلی بزرگ داشتم، شهید «عجب گل» را که اصلاً نمی شناختم یک شب خواب دیدم شهید خودش را معرفی کرد و گفت یک نذر کن و نیت کن برآورده می شود و من وقتی بیدار می شوم نذر می کنم اگر مشکلم حل شود به دنبال مادر شهید بروم و نذر من که این سکه بوده را به ایشان هدیه کنم؛ خواهر شهید می گفت: «این خانم آنقدر تحت تاثیر قرار گرفته بود که حدود شش ماه پرس و جو می کند تا اثری از خانواده شهید پیدا کرده و نذرش را ادا کند.»

وی در پایان با اشاره به اکران های مردمی جشنواره عمار، گفت: من به عنوان یک کارگردان اصلاً نمی خواهد در این جشنواره جایزه بگیرم ولی از ته قلبم می خواهم که این شهدای غریب و مظلوم شناخته شوند و حتی اگر این آثار به مسابقه راه پیدا نکرد زمینه اکران مردمی آنها فراهم شود.





صفا از «مسیر هشت میلمتری» می‌گوید

روایتی از تاریخ اکران کنندگان

محمد صفا متولد ۱۳۶۲ در همدان و فارغ التحصیل سینما است. مستند سازی را از سال ۸۷ شروع کرده و مستندهای "زنده ام زندگی"، "روایت داداگی"، "سفارش خدا" از جمله آثار اوست که در جشنواره‌های متعدد داخلی شرکت داشته اند. وی با سه مستند "روایت راوی"، "دار و دل" و "مسیر هشت میلمتری" در ششمین جشنواره مردمی عمار شرکت کرده است.

محمد صفا کارگردان مستند «مسیر هشت میلمتری» در گفتگو با خبرنگار «نشریه روزانه ششمین جشنواره مردمی عمار»، گفت: این مستند درباره آقای جلیل طائفی از فیلمسازان کشورمان است و ایده اولیه این کار را آقای سید جمال عود سیمین مطرح کردند.

وی افزود: آقای طائفی در خانواده‌ای به دنیا می‌آید که وضعیت مالی چندان مناسبی نداشتند و لذا امکان ادامه تحصیل نداشتند و به دنبال عکاسی و پس از آن فیلم سازی می‌رود و با دوربین سوپر ۸ ساختن فیلم و مستند از وقایع انقلاب و تظاهرات و ورود امام خمینی (ره) را شروع می‌کند.

این مستندساز در این باره افزود: آقای طائفی از اوایل دهه ۶۰ به ساختن فیلم‌های داستانی و سینمایی با افراد محله خود و با همان دوربین ساده رو می‌آورد و آنها را در شهرها و مساجد و روستاهای دور افتاده نمایش می‌دهد و درآمد حاصل از فروش فیلم هایش را برای کمک به جنگ زده‌ها می‌دهد.

محمد صفا هدف خود را از ساخت این مستند الگوسازی برای فیلم سازان جوان عنوان کرد و اظهار داشت: برخی فیلم سازان جوان از نبود امکانات و شرایط فیلم سازی گله می‌کنند و آن را بهانه‌ای برای کار نکردن عنوان می‌کنند و من با این مستند می‌خواستم بگویم نبودن امکانات نباید باعث شود انسان فعالیت نکند.

وی با اشاره به اینکه آقای "رضاناجی" از بازیگران کشورمان، از افراد محله آقای طائفی بوده که کار بازیگری را با آقای طائفی شروع کرده است گفت: آقای طائفی همکاری خیلی خوبی با ما داشتند و همین همکاری در بهتر شدن اثر تأثیر داشت.

محمد صفا با بیان اینکه هر جشنواره‌ای اگر با اهداف و سیاست گذاری‌های مشخص تداوم داشته باشد می‌تواند مؤثر باشد، یادآور شد: اکران‌های مردمی جشنواره عمار قابل تقدیر و تحسین است و با توجه به اینکه فیلم‌ها برای دیده شدن ساخته می‌شوند، این کار باعث می‌شود دامنه مخاطبان افزایش یافته و افراد زیادی در نقاط مختلف به تماشای فیلم‌ها بنشینند.

امین در تومی اکران کننده بجنورد

عمار تنها سالن شهر را پر کرد

قبل از جشنواره عمار فیلم های آموزشی و دفاع مقدس را در مسجد

محل اکران می کردند. ابتدا اکران ها با مانیتور بود. کم کم اکران ها

بزرگ و بزرگ تر شد. سالن بزرگ شهر هم میزبان بینندگان جشنواره

عمار شد. او اعتقاد دارد که برای جنگ نرم باید سراغ خود مردم رفت.

می گوید: «مردم باید در این قضیه از جیب خود هزینه کنند و اهمیت

قائل شوند.»

تشنه ی این کارها بودم

ما قبل از شروع جشنواره ی عمار، در مسجد محل خودمان فیلم های آموزشی و دفاع مقدس را پخش می کردیم. اکران در حد یک مانیتور کامپیوتر اتفاق می افتاد. تشنه ی این کارها بودیم. من از طریق حوزه ی هنری شهر با جشنواره ی عمار آشنا شدم. اکران مردمی بازتعریف هنری است که امام خمینی (ره) تعریفش کرد؛ برگرداندن هنر در خدمت انقلاب اسلامی. امام می گوید: «کارکرد هنر باید همین باشد که درد دل مردم، مشکلات و معضلات مردم را مطرح کند. به عبارتی حق مظلوم را از ظالم گرفتن.»

تلنگری به مسئولین

داخل شهر بیشتر در مسجد و کانون اکران داشتیم. چند دفعه هم برای اکران به روستاهای اطراف رفتیم. یکی از این روستاها «گریوان» بود که مردم با شوق و ذوق فیلم ها را تماشا می کردند. چون در این فیلم ها حرف حق گفته شده است، مردم تا حدودی می توانند راحت با آن ارتباط برقرار کنند.

یک اکران خیلی شاخص هم در سالن گلشن داشتیم که سالن اصلی شهر است. تقریباً اکثر هنرمندان و کسانی که فعال فرهنگی هستند، در این سالن فعالیت می کنند. اتفاق خوبی بود، چون توانستیم تنبهی در مسئولین ارشاد ایجاد کنیم. خیلی از دوستان می گفتند: «پس می شود سالن گلشن که همان سالن سینمای استان است را پر کرد.» مردم روز بعد به همان سالن سینما مراجعه می کردند که این فیلم ها چی شد؟ هست یا نیست؟ این اتفاق امکان دارد حتی در طول سال و هفته ای هم انجام شود. اگر فیلم ها قابلیت داشته باشد که مستمر پخش شود، می توان این کار را کرد.

فیلم ها درد مردم بودند

مردم از فیلم ها استقبال می کردند، چون درد دل آن ها بود و آن مسائل را حس می کردند. اتفاقاتی که در فیلم می افتاد، برای مردم اتفاق افتاده بود و این برایشان شیرین بود. مردم خودشان را در فیلم ها می دیدند. به نظر من همین نقطه ی قوت جشنواره ی عمار است. اسم جشنواره هم مردمی است. من قبول نمی کنم که اسم مردمی را روی جشنواره ای بگذاریم ولی مردمی بودن جشنواره ی عمار این قدر بارز و خوب است که باعث می شود بازخورد مردم خوب شود. مردم این جشنواره را از خودشان می دانند.

سوژه های بکر؛ مادر شهید پرسیا

ما پایگاه بسیج نداریم و در کانون محله ی خودمان مشغول هستیم. هیئت شاخصی داریم که تقریباً تنها هیئت فعال استان است. من هم به عنوان فعال فرهنگی در آن جا مشغول هستم و هم گاهی در مسجد محله فعالیت می کنم. خدا را شکر حاشیه نشین هستیم، با بچه های کانون به دیدار خانواده های شهدا می رویم.

شهید رضا پرسیا یکی از شهدای معلم ما است. مادر شهید پرسیا آن بصیرتی که حضرت آقا می گویند و در خیلی از مسئولان دیده نمی شود را دارند. ایشان با آن که نمی تواند راه برود، چه در بحث اقتصاد مقاومتی و چه بحث حجاب ملزم است. ما وقتی بعضی از دوستان را می بینیم از انقلاب ناامید می شویم ولی وقتی این تیب مادر شهدا را می بینیم دلگرمی پیدا می کنیم. ایشان واقعاً یکی از آن سوژه های ناب است.

متأسفانه این مادر شهید کهنسال است. هر شعاری را که انقلاب داده است، می توانید در صحبت های ایشان بشنوید. ایشان نه خبری گوش می دهند که بگوییم واحد مرکزی خبر در مغزش توپیده و نه بلد است روزنامه ای بخواند. فقط چیزهایی که از بچه ی شهیدش یاد گرفته را می گوید. این طور سوژه ها خیلی بکر و دست نخورده هستند و باید مستند و فیلمش را ساخت. خود حضور جشنواره ی عمار بین بچه مسجدی ها هم سوژه است.

کار سطحی نباشد

سعی کنید که آگاهی دوستان نسبت به عمار و چیزهایی که فرار است عمار در مورد آن ها کار کند، بالاتر برود. به ایشان سیر مطالعاتی یا فیلم داده شود که نگاه کنند و اطلاعات دوستان را بالا ببرد. باید در بچه ها دغدغه ی اکران و حتی ساخت فیلم به وجود آید. بچه ها دغدغه دارند، فقط باید کمی آگاهی بیشتر شود تا کار سطحی نباشد. مثل پاییز که باد می آید و برگ ها سریع ریخته می شوند. ان شاء الله کارهایمان بهاری باشد که این هم آگاهی می خواهد.

هزینه های فرهنگی باید از جیب خودمان باشد

ما همیشه از امکانات و ظرفیت هایی که در اطرافمان بوده استفاده کرده ایم و نیاز نشده که به مردم مراجعه کنیم. اعتقاد من این است که اگر این اتفاق بیفتد، بهتر است. مردم باید در این قضیه از جیب خود هزینه کنند و اهمیت قائل شوند. الآن جنگ، جنگ فرهنگی است. با هجمه ای که دشمن در مسائل فرهنگی وارد می کند، هیچ فرقی با جنگ تحمیلی ندارد. اتفاقاً الآن خیلی سخت تر شده است. فقط اگر ضرورت را به مردم نشان بدهیم که این بلا سر بچه های خود آن ها می آید، مردم خرج می کنند.

پخت شیرینی اختتامیه جشنواره عمار به دست مادران شهدا و زنان جهادگر ملارد



در سامانه اکران مردمی عمار (عمار پورتال) بخوانید

ammarportal.ir

گزارشی از افتتاحیه استانی عمار در تبریز

افتتاحیه ای با طعم موتور برق!

وی از وجود ابن اشعث های زمانه خبر داد و گفت: ولایت فقیه شجره طیبه است و نباید این شجره را تنها گذاشت، چرا که خون شهدا هم این شجره را آبیاری میکند.

بعد از سخنرانی جوانی، از خانم دل آمیز که از نیروهای پشتیبانی پشت جبهه بود، با دست مادر شهید جوانی تقدیر به عمل آمد.

بعد از گذشت یک ساعت از شروع برنامه، که برق منطقه وصل شد، با توجه این که همزمان با افتتاحیه جشنواره، گرمیادداشت اربعین شهدای نارداران نیز برگزار می شد، کلیپ مخصوص مردم نارداران پخش شد و در ادامه برنامه مهدی نعلبندی، نویسنده کتاب خانه زاد، مستند ساز و تحلیل گرسائل آذربایجان در مورد مظلومیت مردم نارداران و محدودیت های دولت آذربایجان با معرفی مردم این منطقه، سخنرانی اش را شروع کرد.

وی مردم نارداران را مردم بسیجی و خمینی چی خواند و حادثه اخیری که در اربعین امسال اتفاق افتاد را بسیار ظالمانه خواند و از مسئولین استانی که در قبال این حادثه بی اهمیتی کردند، گله کرده و گفت: برخی از مسولان استانی، ندانسته و غیر عمدی دقیقا همزمان با جرایمات اخیر، به وزیر این حکومت نشان تبریز را دادند.

وی با انتقاد از اتهاماتی که در مورد حاج طالع باقرزاده از عالمان دینی آذربایجان که وی را هم سنخ با ابوبکر البغدادی دانسته اند، گفت: ابوبکر البغدادی خود را مرحبون و تروریست می داند ولی آیا از مردم اسلام خواه و شخص حاج طالع، تروری دیده اید؟ جنایتی دیده اید؟ کدام بمب گذاری را انجام داده اند؟ گناه اینها غیر از این است که نام اهل بیت و عصمت طهارت را در دیوارهای خود و میادین خود نهادند؟ و زنی نمیشود پیدا کرد که بی حجاب باشد.

در پایان برنامه، گروه سرود شهید تجلایی که متشکل از نونهالان مناطق محروم و حاشیه ای تبریز بود به اجرای سرودهای حماسی پرداختند.

به گزارش خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره عمار» به نقل از آنج، عصر دیروز افتتاحیه جشنواره استانی فیلم عمار در مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام منطقه ی ایده لو تبریز که از مناطق محروم و حاشیه نشین تبریز است، برگزار گردید. قطعی برق از بدو شروع، گریبان گیر این مراسم شد، لذا مسئولین برگزاری جهت تأمین برق این مراسم به دنبال موتور برق شدند. در این بین جهت جلوگیری از اتلاف وقت حاضرین، مراسم به صورت غیر رسمی و با نور فلش تلفن همراه ها شروع شد.

روح الله رشیدی دبیر استانی جشنواره که مجری این برنامه بود، نبود برق و انداختن نور فلش را به فلسفه برگزاری این برنامه در منطقه ای محروم مرتبط دانست و گفت: هدف از برگزاری این افتتاحیه راه انداختن نور به نقاط تاریک و شناخته نشده شهر می باشد، مشکلات و مصائب مردم این منطقه دیده نمی شود و کسانی که تبریز را شهر گردشگری جهان اسلام معرفی کرده اند، بهتر است به حاشیه شهر مدرن تبریز هم سری بزنند که هنوز هم آب فاضلاب ها از خانه ها به خیابان ریخته می شود!

در ابتدای برنامه از جلیل طائفی، پیشکسوت هنر عکسبرداری و فیلم برداری دعوت به عمل آمد و به بیان بیوگرافی و خاطرات خود از زمان قبل از انقلاب و خود انقلاب پرداخت. از خاطرات پخش فیلم در تمام روستاهای استان، فیلم برداری از سخنرانی امام خمینی در بهشت زهرا گفت. در این حین بود که برق مسجد وصل شد ولی این برق حاصل از موتور برق بود.

بعد از پخش کلیپ خوش آمدگویی جشنواره، پدر شهید حامد جوانی مدافع حرم، فرزند شهیدش را توصیف کرد. او از برنامه های استکبار برای نسل جوان خبر داد که فرزندش و امثال فرزندش را نمود شکست این برنامه دانست و افزود: تحریم هایی که علیه ملت ایران وارد کردند، نتوانستند موفق بشوند چرا که فهمیدند که مردم ایران فرزند رمضان هستند.





اکران تیزر «سلام» و فیلم داستانی «برخورد» در مسجد مهدویه کرج



اکران مستند «نمای بسته ای از شقایق ها» و کلیپ «فراخوان ننه عصمت» در

جمع خواهران بسیجی شهر صغاد شهرستان آباده



اکران فیلم های عمار در روستای علی آباد ورامین



اکران فیلم های «یک قاشق» و «هم بازی» در حسینیه حضرت زهرا (س) ملارد



افتتاحیه اکران های مردمی عمار اسلامشهر در هیئت هفتگی یا مهدی (عج)

با مداحی حاج امیر عباسی



دو فیلم برتر از نگاه دانش آموزان دبستانی صومعه سرا

دانش آموزان پایه های اول، دوم و سوم دبستان دخترانه هفده شهریور در صومعه سرای استان گیلان، در سه نوبت فیلم های تولد، کودکانه، بختک و قاصدک ها را تماشا کردند.

این ۳۰۰ دانش آموز از فیلم های اکران شده استقبال خوبی کردند و همگی از فیلم ها راضی بودند. در پایان نماهنگ «قاصدک» و انیمیشن «بختک» دو فیلم برتر از نظر دانش آموزان بودند.

همچنین در این اکران، پویش مردمی جبهه مقاومت به دانش آموزان معرفی و قرار شد دانش آموزانی که مادرانشان می توانند دستکش بیافند، به رابط شهرستانی عمار تحویل دهند.



اعلام آمادگی فرمانده سپاه قادرآباد فارس برای جمع آوری کمک های مردم به جبهه مقاومت

فیلم «رد خون» بین پرسنل سپاه قادرآباد شهرستان خرم بید اکران شد. در پایان این اکران جناب سروان عزیزی فرمانده سپاه قادرآباد ضمن تقدیر از دست اندرکاران جشنواره عمار در خصوص انعکاس گفتمان انقلاب اسلامی گفت: فیلم سازی و اکران مردمی فیلم عمار طرحی جدید در دنیای فیلم می باشد.

وی ادامه داد: اینکه خود مردم، هم فیلم بسازند و هم اکران کنند و گفتمان انقلابشان را جهانی کنند در ادامه همین مقاومت مردمی و جبهه مقاومت است که جهان استکبار به حذف آن می کوشد و این مایه سربلندی می باشد. سروان عزیزی با اشاره به محتوای گوناگون و موثر فیلم های عمار به قسمت های آموزش کادر، تعلیم و تربیت و فرهنگی اجتماعی دستور داد که به کمک اکران فیلم عمار بروند.

فرمانده سپاه قادرآباد از طرح ننه عصمت حمایت کرد و گفت ما آماده کمک در جمع آوری کمک های مردمی این طرح به عنوان پایگاه جمع آوری هستیم.

نادری از «شریک الانتصار» می‌گوید

پیروزی خلوص «شاطری» بر پول سعودی

نامر نادری متولد ۱۳۶۹ دارای مدرک کارشناسی علوم سیاسی، فعالیت خود را در عرصه فیلمسازی با دستیاری در یک فیلم کوتاه آغاز کرد و رفته رفته شاهد گسترش فعالیت‌های وی در عرصه تولید مستند بودیم؛ نادری در ششمین دوره جشنواره مردمی عمار با اثر «رد پای فرشته» و «شریک الانتصار» حضور به هم رسانده است.

در این مستند چه تصویری از شهید شاطری ارائه دادید؟

مستند «شریک الانتصار» در مورد اقدامات شهید شاطری در لبنان است و شخصیت ایشان بزرگ تر از آن است که بتوانیم آن را به تصویر بکشیم؛ سید حسن نصرالله در مورد ایشان می‌گویند یکی از اولیاء الله بود و از ایشان با عنوان چمران ثانی در لبنان یاد می‌شود؛ چنین فردی را در ۲۰ دقیقه نمی‌توان معرفی کرد؛ از این رو به صورت تیتروار بخشی از اقدامات وی را نمایش دهیم.

شاید جمله آقای پناهیان در تشریح ایشان کامل تر باشد و در این مستند نیز آمده که گفتند: «در شهادت ایشان ما باید به رهبری تسلیت گفته و بگوییم شما کسی را از دست دادید که می‌توانستند منش انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری را در دنیا منتشر کند.»

یکی از اقدامات شهید شاطری که در مستند دیگری به نام «رد پای یک فرشته» به آن پرداختیم تلاش برای اسکان آواره‌های سوری بود، ایشان آواره‌های سوری را در اطراف زینبیه اسکان دادند و اقدام به ایجاد بیمارستان، مدرسه، مهد کودک و کشف المهدی کردند که در آن شرایط سخت اقدام بسیار مهمی به شمار می‌آید.

در مدتی که برای فیلم برداری در لبنان بودید، آیا تاثیری از

فعالیت‌های شهید شاطری در لبنان را شاهد بودید؟

من بعد از مصاحبه با شهید شاطری، برای اولین بار به جنوب لبنان رفتم و تازه آنجا بود که متوجه فعالیت بسیاری زیادی که ایشان در عمران و بازسازی لبنان داشته، شدم این تاثیر را حتی در میان قلوب مردم می‌توانستیم مشاهده کنیم، برای نمونه وقتی برای خرید به مغازه رفتیم، صاحب مغازه هنگامی که متوجه شد ما ایرانی هستیم بسیار ما را مورد تکریم قرار داد و همه اینها به خاطر حضور افرادی همچون شهید شاطری در لبنان است و من آنجا متوجه شدم که نسل جوان لبنان چقدر متاثر از افرادی همچون امام موسی صدر، شهید چمران و شهید شاطری هستند.

باید این نکته را هم اضافه کنم و آن اینکه، یکی از اقداماتی که شهید شاطری در مقابل جنگ روانی که دولت‌های عربی، جهت تخریب چهره ایران در لبنان به راه انداخته بودند بازسازی گسترده مناطق آسیب دیده

چطور وارد عرصه مستند سازی شدید؟

از دوره دبیرستان با دستیاری در یک فیلم کوتاه وارد عرصه فیلمسازی شدم و پس از آن بود که در کسوت مدیر تولید چند اثر مستند و بازیگری در کلیپ، حضور پیدا کردم و اینها زمینه علاقه من را به فیلم سازی ایجاد کرد و اهمیت حضور در این فضا برای من بیشتر شد.

شکل گیری مستند شریک الانتصار

اولین سفر من به لبنان در سن ۱۹ سالگی و برای ساخت یک مستند رقم خورد اما برخلاف انتظارم ساخت مستند آن قدرها هم آسان نبود و باید برای شناخت لبنان سفرهای زیادی صورت می‌گرفت و علاوه بر آن منابع مالی و ارتباطات خاص خود را پیدا می‌کردم؛ با این حال این سفر، مقدمه سفرهای بعدی من به لبنان و ساخت مستند شریک الانتصار شد.

در واقع هدف من از سفر به لبنان ساخت مستندی پیرامون تاثیر امام خمینی (ره) در لبنان بود و در همین راستا در سفر دوم خود با شهید شاطری آشنا شدم و پس از مصاحبه‌هایی که با ایشان گرفتم رابطه دوستانه‌ای بین ما ایجاد شد و بعدها نیز ادامه پیدا کرد.

آن موقع می‌دانستید که شهید شاطری چه نقشی در لبنان دارد؟

ما تا روزهایی که ختم به شهادت ایشان شد، از شهید شاطری تصویری می‌گرفتیم اما حقیقت امر آن است که پس از شهادت ایشان و اخباری که در رسانه‌ها منتشر شد، نگاه ما به کلی تغییر کرد؛ فهمیدیم که حسام خوشنویس ما، همان حسن شاطری یکی از سرداران بزرگ است که در گمنامی کارهای بسیار بزرگی در لبنان انجام می‌داد اما با این همه ارتباطش با اطرافیان بسیار صمیمی بود.

الان که به گذشته بر می‌گردم میبینم که من می‌خواستم در مورد امام خمینی (ره) در لبنان کار کنم و روز برگشت با ناراحتی از دست نیافتن به هدفم رو به آسمان کردم و گفتم خدایا من به خاطر امام خمینی (ره) اینجا آمدم حالا هم دارم برمی‌گردم ولی انگار همه اینها منتهی به سفرهای بعدی ما و آشنایی با شهید شاطری از فرزندان به حق راه خمینی شد.





آیا خاطره خاصی از شهید شاطری در روند ساخت، اجرا و فیلمبرداری دارید؟

در مستند شریک الانتصار اتفاقات جالب خیلی زیاد افتاد که زمانی بود که با تعدادی از مسئولان ایران در اتوبوس برای بازدید از مناطق بازسازی شده لبنان رفته بودیم، شهید شاطری در اتوبوس آنقدر ما را خندانند و صمیمی برخورد کردند که آنها باور نمی‌کردند چنین فردی مسئول پروژه‌های به این بزرگی باشد و این ویژگی شهید شاطری تمام ذهنیت مرا نسبت به مردان بزرگ الهی تغییر داد و متوجه مضمونی از یک روایت شدم که در توصیف یاران امام زمان (عج) روایت شده بود آنها به شهادت شان شناخته میشوند نه به نماز و روزه و اعمال شان، یعنی هیچ چیزی از نمادهای ظاهری آنها با مردم تفاوت ندارد لذا این روایت برای من خیلی جالب بود چرا که شهید شاطری شاید مصداق یکی از آن روایات باشد.

نظر شما درباره جشنواره عمار چیست؟

از ابتدای شروع فعالیتیم مینا را بر این قرار داده بودم که در هیچ جشنواره ای شرکت نکنم و در هیچ برهه ای از زندگی حسرت گرفتن جایزه از جشنواره‌های فیلم را نداشتم چرا که ماهیت آنها به تفکرات ما نمی‌خورد چرا که پدر ما بچه‌های فیلمساز حزب الهی و انقلابی سید مرتضی آوینی است و سعی می‌کنیم اصل را بر گمنامی بگذاریم، هرچند که در صورت شناخته شدن ممکن است سفارشات بیشتری داشته باشیم.

و معمولاً موقعیت‌هایی که برای تصویر برداری و فیلم سازی می‌رویم جز با گمنام بودن محقق نمی‌شود اما جشنواره عمار که شروع شد یک تفاوت عمده در آن وجود داشت و آن طیف افراد حاضر در آن و حضور فیلم‌هایی بود که سال‌ها جای آن در انقلاب خالی بود و ساخته نشدن آن‌ها بعضی در گلوئی فرزندان انقلاب بود.

از جمله پل‌ها، جاده‌ها مدارس و... بود و در کنار تمام مناطق بازسازی شده نامی از ایران را باقی می‌گذاشت.

یک نمونه شاخص در این زمینه احداث پارکی در نقطه صفر مرزی با اسرائیل بود، پارکی به نام شهدای مارون الراس که بعدها به عنوان پارک ایران شناخته شد و در مستند اشاره کامل شده است و منطقه ای که تا قبل از آن کسی جرئت حضور در آن نداشت اما شهید شاطری این منطقه امنیتی را کاملاً خنثی کرده و مردم در پارک ایران روبروی اسرائیل به مناطق فلسطین اشغالی نگاه می‌کنند.

در حقیقت شهید شاطری فاتح جنگ بازسازی در لبنان بودند علت هم این بود که سعودیها، قطریها و کشورهای حوزه خلیج فارس که امیدشان به شکست حزب الله بود با مایوس شدن خود در این قضیه با دادن پول به دولت لبنان سعی در ایجاد پایگاهی برای اهل سنت تکفیری و متعصب و تضعیف حزب الله داشتند اما شهید شاطری به خاطر خلوص نیت خود، در این جنگ پیروز می‌شوند.

با کدام قسمت فیلم‌تان ارتباط بیشتری برقرار کردید؟

دو جا در فیلم من احساس میکنم خیلی خاص است یکی انتهای فیلم است؛ چون انتهای فیلم از صندلی بلند می‌شوم می‌آیم شهید شاطری را می‌بوسم.

و دوم آنجایی که می‌گویند اسرائیلیها از دست من عصبانی هستند خیلی لذت بخش است، واقعاً لذت بخش است، شهید شاطری نمونه یک مرد انقلابی و مجاهد بدون مرز است.

آیا مستند «شریک الانتصار» را در لبنان هم اکران کردید و بازخوردی از آن دارید؟

اخیراً تعدادی از دوستان لبنانی ما درخواست اکران این فیلم‌ها در لبنان را داشتند تا برای مجموعه بچه‌های رسالات حزب الله نمایش داده شود و در شبکه المنار نیز پخش شود.

شاید جمله آقای بناهیان در تشریح ایشان

کامل تر باشد و در این مستند نیز آمده که

گفتند: «در شهادت ایشان ما باید به رهبری

تسلیم گفته و بگوییم شما کسی را از دست

دادید که می‌توانستند منش انقلاب اسلامی و

مقام معظم رهبری را در دنیا منتشر کند.»



پاک مردانِ حلال اندیش، فیلمسازی ایمان کیش

محمد مهدی ابراهیم

آسان نیت خود را - که آمیخته با آبروی کاسب تنگ دست است - برای آن جوان هیجان زده بازگو می‌کند. سوآلی ذهن را درگیر می‌کند: تلکیف آبروی کاسب چه می‌شود؟! یک الکی مؤمنِ خسیس بی‌ملاحظه که نه خنده‌هایش ملاحظت مؤمنانه دارد و نه کلامش گرمی ایمان، چرا او باید سیب سالم به نیش بکشد و درماندگان روزگار، با ولع گندیده سیب‌های زباله‌دانی را سق بزنند. چنین پرداختی مؤمن‌ساز که نیست هیچ، بر پرده‌ی سینما ایمان‌کش است.

در باب تنبه و تغیر (دگرگون شدن) کاراکتر که آنی و دفعی اتفاق می‌افتد، این نکته درست که در عالم واقع گاهی لحظه و درنگی کافیست. اما عالم فیلم و اقتضائاتش، آن را تماماً نمی‌پذیرد. اینکه شخصیت اصلی فیلم، رفتاری را شاهد باشد و در همان حال حق پذیر شود و سری به نشانه‌ی رضایت و فهم، تکان دهد و بلافاصله از این‌رو به آن‌رو شود، از ارزش و اثرپذیری فیلم می‌کاهد. برای تعمق و تغنی اثر خود، باید از پیچیدگی‌های روایی سینما بهره‌ی تمام برد و فرصت پذیرش آن تغییر را به ذهن مخاطب داد. برای رسیدن به روایت‌های جذاب و اثرگذار، چنین ایجاب می‌کند که بجای اصرار بر دگرگون ساختن شخصیت فیلم، به تغییر در مخاطب بیندیشیم. کاراکتر، خطایش را بفهمد یا نفهمد، احتیاج ما نیست. مخاطب باید دگرگون شود.

از سویی دیگر، ساده‌گویی در عین این‌که به نظر می‌آید به همه‌فهم کردن اثر کمک می‌کند، از تعلیق و کشش و جذابیت کار کم می‌کند. روایت هوشمندانه - نمی‌گویم متفاوت و تازه - می‌تواند هر اثری را از ورطه‌ی «صراحت‌گویی‌های ساده» که به نظر می‌آید مخاطب پیچیده‌ی امروز دیگر آن را بر نمی‌تابد، نجات دهد. هرچند بازی‌ها چشمگیر نیستند اما این اثر تلاش دارد با هر آنچه در اختیار دارد خود را به سینما نزدیک کند. باید گفت سازنده سعی کرده است برای داستان خود ابتدا و انتهای برجسته و مناسب فهم همگان برگزیند.

لورفتن قصه یک مسئله است و لورفتن فیلمساز مسئله‌ای دیگر؛ دومی اگر واقع شود به مراتب زیان‌بارتر است. هنرمند باید خود را در پس اثرش پنهان کند. این بدان معنا نیست که فیلمساز از این نقد باید به دامان

باید گفت که محتوا در سینما و دنیای فیلمسازی مقدم بر هر چیزی است. این محتوا و مضمون است که دنیای فیلمساز را می‌سازد و دنیای او، فیلم را. توجه «بازار محبت» به محتوا مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که ایجاد جذابیت می‌کند. همان چیزی که دنیای ذهنی سازنده‌ی «بازار محبت» را سامان داده است. غفلت از محتوا یعنی «درآستانه‌ی مرگ قرار گرفتن هنرمند»؛ به این استناد که مرده‌ها هنوز هم فیلم می‌سازند! با این همه می‌توان این فیلم را نقادانه هم دید و صاحب اثر «بازار محبت» را بر توجه دوباره به محتوا و پروراندن هرچه بیشتر آن ترغیب نمود. بر همین اساس باید گفت سینما را گاهی جزئیاتی اثرگذار است که گاهی توجه به اصول کلی تر باعث غفلت از آن جزئیات می‌شود.

مگر می‌شود رابطه‌ی «علی و معلولی» در یک فیلم - به‌طور کلی متون و آثار نمایشی - چنان کارکرد پیچیده‌ای دارند که در بیشتر مواقع طراح آثار را به زحمت می‌اندازد. روابطی مملو از جزئیات و ظرایف - در عین توجه به اصول گریزناپذیر و کلی - تار و پود اثر هنری را می‌سازد. همین روابط است که سبب می‌شود تا مخاطب به خیال واقعیت، قصه‌ی فیلم را حتی تا مرزهایی از حقیقت نیز ببیند. فی‌الجمله اگر فیلم بر مدار حق و در کمال سلامت بنا شده باشد همانا مخاطب می‌تواند در فرآیند پرورش و تربیتی قدسی قرار گیرد.

و اما از جمله مصادیقی که از فیلم می‌توان بدان‌ها اشاره داشت: یکی اپیزود سوم است؛ سیب‌های لک‌دار باید نصیب دوره‌گرد بی‌نوا شود و سیب‌های سالم، سهم خیر باشد؟! چرا آنچه دوست می‌داری را انفاق نمی‌کنی؟! باید پرسید «لن تنالوا البر...» چه می‌شود؟! البته آن مرد مسن نه خیر است، نه مؤمنی قابل؛ بلکه مؤمنی قلبی است. که از تمام آنچه کاراکتر یک مؤمن را می‌سازد، محاسنش را دارد و لبخندی دستوری و راه رفتنی آرام اما فرمایشی! می‌شود ظاهرالصلاحی که عملش - و به‌طور کلی خلق چنین شخصیتی - ثف سربالاست.

تنها لطفی که می‌کند این است که زباله‌ها (سیب‌های لک‌دار) را درون محفظه‌ی آشغال‌ها نمی‌اندازد. در نهایت لطف و احترامی که دارد آن را به کناره‌ی مزبله می‌سپارد تا واسطه‌ی خیر باشد! و بعد چه

ساده‌گویی در عین این‌که به نظر می‌آید به

همه‌فهم کردن اثر کمک می‌کند، از تعلیق و

کشش و جذابیت کار کم می‌کند.

«موج جنون» خارج از موج اسطوره سازی

نزدیک به یک دهه است که از حضور صادق رسولی در عرصه سینما می‌گذرد، او که با حضور در انجمن سینمای جوان بوشهر کار خود را در این عرصه آغاز کرده و تا به حال در مقام دستیاری کارگردانی فیلم سینمایی و فیلم کوتاه از جمله بالابان را برعهده داشته است. رسولی در مقام کارگردان نیز تا به حال کارگردانی آثار موفق از جمله «نفس زمان»، «آوازهایی برای زندگی»، «هلهله جنگ» را در کارنامه داشته است و امسال برای دومین بار با نمانگ «موج جنون» به جشنواره مردمی عمار راه یافته است.



صادق رسولی، کارگردان نمانگ «موج جنون» در گفت و گو با خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار» اظهار داشت: این نمانگ روایتی از تاریخ مربوط به هشت سال جنگ تحمیلی و دوران دفاع مقدس است و روایتگر جوانی است که در شهر خود در حال زندگی است و با آغاز جنگ مسیر دفاع از وطن را انتخاب کرده و در مسیر ارزش ها و آرمان هایش پا به عرصه نبرد می‌گذارد.

کارگردان اثر «موج جنون» با بیان این که در این اثر به دنبال این بودیم که شخصیت اصلی فیلم به دور از شاخصه های اسطوره ای، تصویری از نوجوانان و شهروندان معمولی باشد، اظهار داشت: جوان قصه ی ما همانند اکثر جوانان آن زمان وقتی که می بیند جنگ بر زندگی آن ها سایه انداخته عزم شهادت می‌کند و پا به میدان می‌گذارد.

رسولی، بر لزوم نگاه به واقعیت های جامعه در تولید فیلم و مستند تأکید و تصریح کرد: جامعه ما بر پایه ارزش های دینی و ملی است و فیلم هایی که تولید می‌شود باید نگاه مشخص ترو واضح تری از جامعه امروزی به تصویر کشد و الگوهای را به تصویر بکشیم که نگاه واقع بینانه ترو امیدوار کننده تری نسبت به جامعه دارند.

وی نقد مشکلات جامعه را بخشی از وظایف فیلمسازان دانست و افزود: نقد اشتباهات و نقاط ضعف جامعه نکته مهمی است اما توجه کرد که این روح ناامیدی را به جامعه تزریق کند.

با تأکید بر اهمیت ورود فیلمسازان ارزشی به عنوان سربازان فرهنگی نظام به موضوعات دیگر در قالب نگاهی امیدبخش به جامعه اظهار داشت:

ما به عنوان سربازان فرهنگی این مملکت در پشت خاکریز جبهه فرهنگی باید با نگاهی امیدوارانه به سمت اعتلای مملکت خویش حرکت کنیم از این رو افراد تصمیم ساز در عرصه هنر باید رویکرد مناسبی در تولید آثار هنری اتخاذ کنند.

وی با اشاره به ورود افراد با استعداد به عرصه فیلمسازی، بیان داشت: ورود به این عرصه اتفاق مهمی است اما ادامه دادن این راه مهمتر است و برای اینکه آثار خوبی از خود به یادگار بگذاریم باید به سختی تلاش کرده و سختی ها را در کنار حلاوت ها تحمل کرد.

ریا، دورنگی و تزویر پناه ببرد و خود را در پس فرم های پرتبختر، قاب بندی های پرتکلف قلبی به نمایش بگذارد و نسبت به محتوا مسئولیتی را متوجه خود نداند. خیر، چنین دامانی آوده است. (نگارنده در این نوشتار، پنهان ماندن هنرمند را در برابر تبرج و غرور و خودنمایی نیاورده است بلکه حضور مخاطب هوشیار را هشدار می دهد که اگر دقتی نباشد همه ی طراحی اثر -پیش از نمایش آن- افشا خواهد شد.) چه بسا باید آنچه را حق و حقیقت است به فریادی بلند، آشکار ساخت و اثر را از خیر و خوبی مملو ساخت. اما بحث ما بر سر «روایت» است، بر سر چگونه گفتن. چگونه برخواستن کلام (مانند برخواستن هواپیمایی از باند) و پروازی مسلط و قابل قبول بر فراز آسمان ذهن مخاطب و در نهایت فرودی که بیننده را فایده ای رساند. هر چند طی این فرآیند برای یک فیلم کوتاه دشوار است اما چنین معنا نشود حال که دشواری ها دارد، تخفیف هم دارد. نه! چرا که صاحب اثر و مخاطب هر دو فیلم خوب و سالم را انتظار می‌کشند. اولی تا آن بسازد و دومی آن را به تماشا بنشیند.

نکته ای نیز در باب برنگاشت (Caption). توضیحات متنی در فیلم ها از دوره ی صامت حضوری جدی داشته و تا کنون دارند. اما کاربرد آن در فیلم کجا و چه وقت است؟ برنگاشت در جریان فیلم کار است نه خارج از فیلم. آن جا که حرف فیلم خاتمه یافت دیگر پیام های بعدی کم ترین اثر دارند. فیلمساز یا نویسنده باید تمام تلاش خود را به کار بندد بجای نوشتن - یا گفتن پیام- دغدغه اش را در بافت اثر به نمایش بگذارد. حتی دیالوگ ها نیز در فرآینده نمایشی شدن فیلم است که بکار گرفته می‌شوند نه آنکه صرفاً گفتگو باشند. حال چه رسد به برنگاشت های یک فیلم.

در آخر باید تکرار کرد، آنچه به «بازار محبت» و جاهت می دهد در مرتبه اول و برتر، توجه و اهتمام به محتوا است. اگر چه توضیح در باب ویژگی محتوا محوری اثر «بازار محبت» مختصر و کوتاه بود، دلیل بر کم ارزش بودن این ویژگی نیست؛ چه بسا دارایی «بازار محبت» محتواست. در مرتبه بعد نیز نباید از موضوع این اثر غافل ماند. ساختن بازاری که در آن فرد به انصاف و بخشندگی رفتار می‌کند در معاملات به حق خود آشنا باشد و بدان بسنده می‌کند، دقت نظری بجاست.



«فردای فردای فردا»

فردای فردای فردا عنوان اثری به کارگردانی و تهیه کنندگی امید انصاری است که در مدت زمان ۲۳ دقیقه داستانی مادری را روایت می کند، که فرزند خود راهی جبهه کرده است و به دنبال خبری از فرزند خود است.



«هشت هشت»

احسان جعفری با اثر «هشت هشت» به ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار آمده، اثری که در آن جعفری در ۰۵ دقیقه به بررسی می پردازد. خط سیر زمانی رخدادهای مهم انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و فتنه می پردازد.



«اگر با خدا نجنگیم»

مستند «اگر با خدا نجنگیم» اثری است به کارگردانی محسن حاج کرمی که به آسیب شناسی، عملکرد بانک ها در حل نیازهای مالی مردم پرداخته است. حاج کرمی در ساخت این مستند افزون بر استفاده از کارشناسان برجسته نظام پولی و مالی، به آسیب شناسی عملکرد بانک ها پرداخته است. او در این مستند با سفر به شهرستان سبزوار، یکی از صندوق های قرض الحسنه نمونه شرق کشور را که دارای ویژگی هایی خاصی از جمله عضویت بیش از ۱۲۰ هزار نفر در آن است را معرفی می کند.



«هوای ماندن» را در عمار تنفس کنید

هوای ماندن فیلم کوتاه داستانی به کارگردانی علی نیکوکار است که قصه ی دختر خردسالی را بیان می کند که پدر جانبازی دارد و در روز تولد دختر، پدر با هوایی که در کپسول اکسیژن وجود داشته با دکنک ها را پراز باد می کند و پس از چند لحظه از حال می رود. قصه از آن جایی اوج می گیرد که دختر خردسال پس از بازگشت به خانه با پیکر نیمه جان پدر خود روبه رو می شود و تلاش می کند تا به پدرش کمک کند و او را به حالت قبل بازگرداند. فیلم کوتاه هوای ماندن به تهیه کنندگی محمدحسین معصومی، تصویربرداری جاوید مهریزی زاده و صدابرداری سید عباس طباطبایی تولید شده است.



«ناکو» روایتی از یک تلخی که شیرین می شود

ناکو، قصه ی جوانانی از این مرز و بوم است که با نگاهی آرمان شهرگونه به آن سوی مرز، از هر طریقی به دنبال رفتن از کشور هستند. داستان ناکو در مورد جوانی است که قصد دارد برای تحصیل و زندگی به صورت غیرقانونی از مرز سیستان از کشور خارج شود و در بیابان مسیر خود را گم می کند و با پیرمردی که در گدام (چادر محلی بلوچی) زندگی می کند روبرو می شود. پیرمرد که از نیت جوان آگاه می شود تصمیم می گیرد چند روز او را به بهانه ای نگه دارد تا با واقعیت های مرز و سرزمین آشنا شود. کارگردانی این اثر قابل تحسین را حسین ریگی، نویسندگی آن را امین گلستانه و تهیه کنندگی اش را محمد قانع فرد انجام داده است.

قسمت سوم

مقایسه تطبیقی ژانر درام در سینمای جهان و ایران

علی سلطانی‌وش

۱

درام نام ژانری در سینماست که در آن کاراکترهای فیلم در چارچوبی واقعی با مشکلات احساسی روبرو می‌شوند و در واقع عمل درام نویس داوری نیست؛ بلکه شهادت دادن است و آن چه را که از زشتی‌ها و پلیدیها شهادت می‌دهد که گاهی به عنصری از اعتراض می‌آمیزد! اما در ایران که اصولاً از نگاه درام نویس‌ها و کارگردانان «درام کار» (عجب اصطلاحی کشف کردم!) همه درام از اعتراض به وضعیت ایران تشکیل شده است که از زاویه دید آنان ایران و جامعه ایرانی چیزی نیست جز سیاهی و بدبختی و بیچارگی و پوچی و عقب افتادگی که به رغم همه تلاش‌های فیلم برای حل این مشکلات اصلاً اینها قابل حل نیستند؛ به جان عمه نویسنده قسم!

۲

ژانر درام در سینمای جهان در واقع باید از عنصر کشمکش برخوردار باشد تا بتواند تماشاگر را جذب کند؛ بنابراین کشمکش، تضاد و تعارض بین افکار، امیال، عواطف و اراده در هر دو معنای گفته شده اصلی‌ترین عنصر درام به شمار می‌آید اما درام در سینمای ایران تشکیل شده از روایتی از یک ایران بسیار عقب افتاده و پراز مشکل و بیچارگی و بدبختی که راه حلی هم ندارد جز رفتن از این کشور به سوی ینگه دنیا یا اروپا.

۳

بطور کلی فیلم‌های این ژانر را در سینمای جهان اینگونه طبقه‌بندی کرده‌اند که شامل درام تراژیک، درام جنایی و حقوقی، درام رمانتیک (عاشقانه)، درام تاریخی، درام سانتیمانتال (احساساتی به شکلی اغراق آمیز)، درام روانشناختی، درام اجتماعی، ملودرام، کمدی دراماتیک، درام پزشکی، درام مذهبی و... می‌شود. اما در سینمای ایران درام طبقه بندی و دسته بندی احتمالاً نداشته و ندارد چون همه موضوعات دراماتیک یک دلیل که بیشتر ندارد: عقب ماندگی و اوضاع خراب جامعه کشورمان ایران.

۴

به گفته آرتور میلر اگر در یک نمایش نشان داده شود که اشخاص چه کاری می‌کنند، ملو درام و اگر نشان داده شود که آنها چه کاری نمی‌کنند، درام شکل می‌گیرد. با توجه به توصیفات گفته شده وجود شخصیت زنده و واقعی برای شکل‌گیری درام حیاتی به نظر می‌رسد و این ویژگی مشترک و الزامی درام و تراژدی می‌باشد اما در سینمای ایران اگر شخصیتی در فیلم هم نبود، نبود چون اصلاً درام برخاسته از اشخاص نیست بلکه این وضعیت فاجعه بار و عقب مانده و هولناک ایران است که عامل اصلی درام‌ها شده است!

رباعی روز

حجت رجبی

در حوزه‌ی فرهنگ و هنر پُر کاریم
پُر دغدغه ایم، روز و شب بیداریم
دنیا همه مات ما شده از بس که
آثار بزرگ سینمایی داریم

فال امروز

محمد حسن یعقوب کوره‌پز

از امروز تا آخر جشنواره، روزی یکبار برای شما عاشقان سینما فال می‌گیریم تا بفهمید با خودتان چند چندید:

نسیم صبح سعادت بدان نشان که تو دواز
گذر به سوک فلان کن در آن زمان که تو دواز
تو پیک غلوت راز بر دیده بر سر راست
به مرومی نه بفرمان چندان بران که تو دواز

اقبال بلندی داری. آوازه سعادت و شایستگی و هنرمندی کارگردانی مثل تو به زودی به گوش فلان مدیران خواهد رسید. به شرط آنکه فیلم هایت را درباره فلان موضوعات که خودت می‌دانی - بسازی. به زودی معاونتی که کاملاً مناسب است در قسمت سینمایی منصوب می‌شود و موضوع فیلم‌های بعدی‌ات را با پیک موتوری برایت می‌فرستد. البته تو کاملاً با مردم هماهنگ هستی و گوش به فرمان کسی نیستی و فیلم حکومتی هم نمی‌سازی! پس لاجرم در آن کارهایی که مال حکومتی‌ها هست هم دخالت نمی‌کنی. کلان‌نگاه کن ببین باد به کدام سمت می‌وزد. حالا باید جووری برانی روی بعضی‌ها که با کاردک هم نشود جمع‌شان کرد! برو ببینم چکار می‌کنی.

طراح: سجاد جعفری

جدیداً یک راه هم برای ورود به عالم بازرگانی اختراع شده:
کشف حجاب و رفتن به شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان!



تحریریه: سجاد اسلامیان - نوید نوروزی

محمد رضا پورصفا - عارف جعفری - محمدرضا شهبازی

همکاران: رسول احمدی - اکرم گوهریان - زینب تختی

سید امیرحسین فتاح حسینی

گرافیک: مهدی بادیه‌پیما

6thammarpopularfilmfestival

@ammarmfilmfestival

ammarmfilm.ir

برو فیلم می‌سازن گو فیلم چیست؟

زهرا جمالی

جیم - شروع پیش تولید

به هر حال بحث سرمایه و اسپانسر که حل شد، وارد مرحله ی پیش تولید فیلم مانند انتخاب بازیگران و سایر عوامل می‌شویم.

اگر شما از آن دسته اشخاصی هستید که معتقد به مقوله شایسته سالاری هستید، پس برای به عهده گرفتن نقش‌های کلیدی فیلم، چه کسی بهتر از فامیل و دوست و آشنا و در و همسایه؟ از قدیم هم گفته اند چراغی که به منزل رواست، لامپ کم مصرفه. بلاخره تو این اوضاع گرونی و رکود و بیکاری، هر کسی باید بیاد و به گوشه کار رو بگیره دیگه.

دال - اکران فیلم

از همین ابتدا بگویم که ذهنتان را درگیر مسائل بیخودی نظیر گیشه و فروش فیلم و اکران عمومی و خصوصی جشنواره‌های داخلی نکنید. قدرتی خدا چیزی که در دنیا زیاد است جشنواره.

بعدش هم مگر قرار است همه فیلم‌ها فقط در سینماها اکران شوند؟ خدا نگه دارد این همه نایت کلاب و پردیس‌های دانشکده ی هنر را.

میم - ورود به شبکه ی خانگی

«لعنت بر پدر و مادر کسی که در این مکان آشغال بریزد». «ارائه ی بلیط نشانه ی شخصیت شماست». کدام یک؟!

بر همگان واضح و مبرهن است که ما ایرانیان همواره در طول تاریخ با جمله ی اولی بیشتر ارتباط برقرار کرده ایم تا دومی.

در درستان ندهم. پس از عبور از مراحل هشدار و وارنینگ و قیصر در رفتن از کپی غیرمجاز و لورفتن فیلمتان، شما می‌توانید یک بار دیگر به کسب درآمد بیندیشید و در شب جمعه فاتحه ای نثار ارواح طیبه ی هر چه سوپرمارکتی و بقالی است بکنید. بعد از آن هم خدا کریم است.

برای ورود به عرصه فیلم سازی و فیلمنامه نویسی، شما فرهیخته و منورالفکر گرامی، باید در نظر داشته باشید که همچین کشکی کشکی نمی‌تونن سرتو بندازی پایین بیای تو. زنونه مردونه اش کردیم ناسلامتی.

اما یک وقتایی هست در زندگی که مثلاً به یک احساس یأس فلسفی خاص و چه بسا پوچی رسیده‌اید. درست زمانی که فکر می‌کنید به قول شاعر در دایره ی قسمت حتی به اندازه ی یک نقطه پرگار هم جایی برایتان در نظر گرفته نشده. آنوقت است که از فوتبال و سیاست هم خسته شده اید و در آخر با تیر خلاص طلاق عاطفی از همسرتان، می‌توانید به سراغ ساخت و تولید فیلم بروید.

الف - نگارش فیلمنامه

قلم، کاغذ، چپ پراز پول، سه گزینه ای است که برای نگارش هر نوع فیلمنامه ای اعم از کمدی، درام، مستند، رومنس، جنگی حادثه ای، خانوادگی لازم و ضروری است.

هرچند لازم به ذکر است که نگارش فیلمنامه در ایران، همانند سایر آثار فاخر هنری، همواره با ایجاد جرقه در ذهن فیلمنامه نویس آغاز می‌شود. البته جرقه ای نه در حد و اندازه های اثری همچون جنگ ستارگان که در شکل و شمایل فیلمنامه ای همچون مادرزن سلام.

ب - جذب سرمایه گذار

ابتدا باید مشخص کنیم که سرمایه گذار و اسپانسر طلایی کار کیست؟
قالیشویی شربت اوغلی؟ پشمک و قطاب سازی حاج عبدالله؟ سماورسازی آپلون؟
فرقی نمی‌کند.

دوستان جدیدالورود من، از من به شما نصیحت که نه، وصیت. بدانید و آگاه باشید که پیشرفت سه پله دارد، پاچه خواری، زیرآب زنی، اسپانسر.